آینه‌های روبه‌رو

اسکورسیزی و دنیای دخترش

■ **لس آنجلس تایمز، فاطمه عسگری آزاد:** مارتین اسکورسیزی پنجشنبه وارد ۶۹ سالگی شد و از چهارشنبه فیلم جدیدش اختراع هوگوکابره اکران می‌شود. در مورد این فیلم، زندگی‌اش با همسرش هلن موریس ویراستار کتاب و دختر ۱۲ ساله‌اش فرانسیسکا صحبت کرده است. اسکورسیزی در مورد اینکه چه چیز این پروژه او را شیفته کرده است توضیح داد: «فیلم‌های بسیاری در مورد کودکان ساخته شده، همچنین فیلم‌هایی نیز از زاویه دید کودکان ساخته شده است اما فیلمی که کودکان بفهمند و درک کنند، کم است.» این فیلم با اقتباس از کتاب مصور کودکان به نام اختراع هوگو کاربت ساخته شده است. داستان این فیلم مربوط به یک پسر یتیم ۱۲ ساله است که در سال ۱۹۳۰ در ایستگاه مترو پاریس زندگی می‌کرده و به دنبال تلاش برای یافتن شادی است. مانند داستان کتاب، فیلم هم روی روابط هوگو با بازی Asa Buther field و فروشنده بدعنق اسباب بازی Ben kingsley و پدر هوگو Jude law می‌گذرد. نکات بسیاری باعث جلب توجه فیلم هوگو شده و قسمتی از این نکات چالش‌های مالی است. cineastes در این مورد می‌گوید: «پدر و مادرها به قدر کافی عاقل هستند که فرزندان‌شان را برای دیدن فیلم جدید اسکورسیزی که در مورد یک پسر ۱۲ ساله است ببرند.» هوگو شخصیت اصلی این فیلم که از ساعت بزرگ ایستگاه نگهداری می‌کند برای ساختن یک دستگاهی تلاش می‌کند تا بتواند از این طریق با پدر مرحومش ارتباط برقرار کند. دو دختر اسکورسیزی که از ازدواج‌های گذشته او به دنیا آمده‌اند بزرگ شده‌اند اما فرانسیسکا حضور پر رنگی در زندگی شخصی اسکورسیزی در منهتن دارد و نوع نگاهش به زندگی را تغییر داده است. «شروع به درک متفاوت هر آنچه در اطرافتان است می‌کنید، بسیار متفاوت.» او مکالمه خود را با حرکات دست و صورتی خندان ادامه داد: «زمان‌های مختلف در زندگی‌ام چندین بار این راه را طی کرده‌ام منظورم آدم متفاوتی بودن در یک وسعت خاص است. این تغییرات برایم بسیار جالب است و کاملا درکش نکرده‌ام، من و همسرم باید با این تغییرات کنار بیاییم.» مانند شخصیت فیلم اسکورسیزی (هوگو)، فرانسیسکو دختر اسکورسیزی هم دنیای خیالی خودش را ساخته است و اسکورسیزی در این دنیا یک بازیگر است. «دخترم یک اتاق خیالی در اتاقش ساخته است. زمانی خودم را در حال شنا کردن در طول اتاق یافتم و باید بگویم داشتم از آن لحظه لذت کامل می‌بردم. دخترم می‌گفت: در اینجا شنا کن من کنارت هستم. اینجا امن است مواظب آنجا باش. این تصورات دنیای خیالی دخترم در هتل بورلی هیلز بود که من هم از آن لذت می‌بردم.» اسکورسیزی ادامه داد: «تهدید به خشونت، یک لحظه کمیک، تصور شخصیت انسانی به یک صورت حیوانی همه اینها فوق‌العاده است، دنیای خلاقیت فوق‌العاده است.»

ادامه از صفحه ۱۳

یک حبه عشق...

شخصیت‌های فیلم، در روایت جایگاهی یکسان دارند و هرکدام‌شان سهمی یکسان در پیشبرد روایت دارند. بازیگران با بازی‌های یک‌دست و به‌دور از اغراق، تصویر واقعی از یک خانواده سنتی را می‌سازند. خانواده‌ای که در این باغ سکونت دارند، خانواده‌ای هستند که چهار داماد از چهار سوی ایران دارند. هرکدام از آنها به حرفه‌ای متفاوت مشغول هستند. افراد متفاوتی که به این میهمانی دعوت شده‌اند، با وجود اختلاف‌های ظاهری‌شان با یکدیگر، بر سر یک سفره می‌نشینند و در حوادث و رخدادها، همبستگی‌شان با یکدیگر بیشتر می‌شود. آدم‌هایی که حتی در نقش همدیگر هم قرار می‌گیرند. روحانی که نمی‌تواند روضه بخواند و کاسبی که روضه می‌خواند تا مادرزنش به گریه بیفتد. این آمیختگی و همبستگی، یک نوع وحدت در عین تضاد را نشان می‌دهد و به نوعی آرمانشهری را می‌سازد که در آن اقوام مختلف، در غم و شادی هم شریک هستند. شخصیت دختر کوچک خانواده، شخصیتی است که انگار شخصیت محوری فیلم است اما به همان میزان محو است. دختری که می‌خواهد با کسی که نمی‌شناسد، ازدواج کند و به جایی سفر کند که حتی زبان آن را هم نمی‌داند. شخصیتی که همواره تسلیم مصلحت بزرگان است و تسلیم تقدیر است. عروس این خانه، در رویاهای خود غوطه می‌خورد اما تقدیر لباس سیاه به تنش می‌کند تا از رویا به درآید و واقعیت اطرافش را ببیند. تقدیر برای عروس این باغ، حبه قندی آورد که اگر طعم آن شیرین نبود، اما برایش تلخ هم نبود. شخصیت خان‌دایی با بازی سعید پورصمیمی یکی از شخصیت‌های کلیدی فیلم است. داستان و عکس‌های شکار خان‌دایی، سمبل افتخار این خانواده است و شکوه خان دایی با یک حبه قند به زوال می‌رود. حبه‌قندی که مایه سرگرمی خان‌دایی بود، نقش متفاوتی را برایش بازی می‌کند و هستی‌اش را به نیستی، بدل می‌کند. روایت فیلم برای ایجاد یک روال نامحسوس دگردیسی هستی در نیستی، از ریتم کندی استفاده کرده‌است. استفاده از نماهنگ‌هایی در نقاط عطف فیلم برای برجسته‌کردن و برانگیختن احساسات مخاطب، بر این کندی ریتم افزوده است. این نماهنگ‌ها قرار است پاساژهایی بین فصل‌های روایت باشند که وضعیت روایت و نقاط عطف فیلم را برجسته بسازند. این امر سبب می‌شود که آنچه در خلال داستان پرداخته شده است، بیان تصویری مضاعف بیابد و روایت فیلم را کش‌دار و خسته‌کننده کند. پایان فیلم، نوای «تو ای پری کجایی» از رادیویی پخش می‌شود که قاسم آن را تعمیر کرده است تا صدای دل قاسم را عروس فیلم بشنود. تا بفهمد یک حبه قند، اگر برای خان‌دایی تلخ بود، برای او طعم شیرین عشق را می‌دهد.

نظر

گلچهره سجادیه، بازیگری یگانه

دکتر قطب‌الدین صادقی
کارگردان تئاتر

گلچهره سجادیه بازیگری یگانه است:

۱- او را از سال ۱۳۵۲ می‌شناسم؛ در آن سال‌های پرشور و شر دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران. تقریبا به طور دایم همراه با یاسمن آرامی‌نیا بود. با او می‌آمد و با او می‌رفت. دوستی‌شان عمیق بود و هر دو جدی، درونگرا و بسیار متفاوت از سایر دوستان همکلاسی‌شان بودند. سادگی، صداقت، مهربانی و راستی مهم‌ترین ویژگی‌های آنها بود؛ خصلت‌هایی که سجادیه تا به امروز نه‌تنها حفظ بلکه عمیق‌تر هم کرده است. به‌گونه‌ای که می‌توان گفت از معدود هنرمندان تئاتر و سینمای ایران است که تا این لحظه دیده نشده است به مقامی رشوه اخلاقی بدهد، به شخصی تملقی بگوید یا بی‌جهت به کسی تعارفی بکند. در مقابل هم هرگز کسی ندیده است گوشی هم برای شنیدن رشوه اخلاقی یا تملق و تعارف دیگران داشته باشد. او روراست و صریح‌اللهجه است و در برخوردهایش همیشه بی‌نقاب و بی‌ریاست. تکلیف آدمی با او روشن است.

در مناسبات خصوصی و حرفه‌ای پشت و رو ندارد، و به رغم جایگاه و نام و آوازه‌اش در سینما و تئاتر، دچار غرور کاذب نشده است. یکی از نشانه‌های فروتنی او این است که حاضر نیست به هیچ‌گونه مصاحبه یا هر نوع خبر کاذب، یا هو و جنجال‌های مبتذل مطبوعاتی تن دهد. برای کسانی که او را نمی‌شناسند این شاید نامتعارف، اندکی تلخ و کمی غیرقابل قبول باشد اما در پشت آن منش و رفتار، سادگی و صداقتی است که تنها دوستان قدیمی می‌شناسند و همکاران نزدیک ارج می‌نهند

۲- او ظرافت و حساسیت بالایی دارد که تنها از جان و روح زنانه‌اش مایه نمی‌گیرد و صرفا نتیجه یک زندگی طبیعی و غریزی نمی‌توان به شمار آورد.

ظرافت و حساسیت او نتیجه یک تربیت اصیل تئاتری در ایران و ایتالیا، و ناشی از مدت‌ها مراقبت و پرورش درونی و نیز برخاسته از یک تربیت اجتماعی و فرهنگی درست است که در سایه سال‌ها کار و سفر و مطالعه به دست آورده است. بنابراین تردی و شکنندگی او برآمده از تجربه‌ای درست، اندیشه‌ای آگاه و بی‌زنگاری جان اوست.

۳- بی‌گمان تکنیک بازیگری او و خلاقیت‌هایش ریشه در دو نکته‌ای دارد که پیشتر برشمردم. او بازیگری به‌شدت حساس، اصیل، فهیم و دارای عواطف و هیجان‌های ظریف و راستین است. از همه مهم‌تر در عرصه کاری بسیار متعهد، همدل و جدی است. از بازی «بیرونی» و متظاهرانه دور و بیزار است و در عوض «ریزه‌کاری‌های» درونی نقش را بسیار دوست دارد. آنها را تدریجا به دست می‌آورد، کم‌کم از آن خود می‌کند و سپس به آنها دل می‌بندد. از نادر هنرمندان عرصه بازیگری است که به دیگران و نیز به صدای روح و درون خود گوش می‌دهد. به همین دلیل ارزش «سکوت» و تاثیر دراماتیک آن را خوب می‌شناسد و در طول تمرین و اجرای نمایش صداقتی در درک و دریافت نقش از خود نشان می‌دهد که هر کارگردانی را به وجد می‌آورد.

۴-به رغم دوستی بلندمدت ما، برای نخستین بار بود که در نمایش «اگر نرفته بودی» فرصت همکاری با گلچهره دست می‌داد. در کنار بازیگران باتجربه و بزرگی چون میکاییل شهرستانی، مصطفی عبداللهی و شمسی صادقی که سال‌هاست از سعادت دوستی و همکاری هنرمندانه آنها برخوردارم، حضور و کار گلچهره سجادیه در ایفای نقش «سرمه» بخت نیک دیگری بود که نصیبم شد و به آن ارج می‌نهم.

به قول شاعر:

من به خود می‌بالم
که در این عصر یخی
آشنایی دارم
که دلش آینه خورشید است.

شرکت اقلیت‌های دینی در جشنواره موسیقی فجر

شرق: برخوردهای دوگانه دفتر موسیقی با هنرمندان، اهالی موسیقی را مبهوت کرده است. درحالی‌که روز گذشته دبیر بیست و هفتمین جشنواره موسیقی فجر از شرکت گروه‌های موسیقی اقلیت‌های دینی در جشنواره امسال خبر داد، خبر دیگری با محوریت ممنوع‌الکار شدن فرمان فتحعلیان (خواننده موسیقی پاپ) منتشر شد. اوایل هفته جاری هم مراسم بزرگداشت زنده‌یاد ناصر عبداللهی در کاخ سعدآباد لغو شد.

ریاحی: زرتشتی‌ها و ارامنه تقاضا داده‌اند

در تاریخ ۲۷ساله جشنواره موسیقی فجر، اقلیت‌های دینی ندرتا در جشنواره موسیقی فجر حضور داشته‌اند. با این حال حسن ریاحی دبیر این جشنواره به شرق می‌گوید امسال تقاضاهایی از انجمن زرتشتیان و ارامنه برای حضور در این رویداد هنری به دبیرخانه جشنواره داده شده است. ریاحی با ابراز تمایل به اینکه در جشنواره امسال یک روز به اجرای اقلیت‌های مذهبی اختصاص یابد، ادامه می‌دهد: «با توجه به اینکه جشنواره موسیقی زرتشتیان تازه به پایان رسیده و اجرای آنها را مورد بررسی قرار دادیم، اجرای دو گروه را تا حدودی مثبت ارزیابی کردیم و شاید در جشنواره شاهد اجرای گروه «کر ارامنه» نیز باشیم. در مورد اقلیت‌های دیگر باید بررسی‌های لازم را انجام دهیم تا ببینیم آیا گروه‌های موسیقی اقلیت‌های دیگر مثل یهودی‌ها در حال حاضر فعالیتی دارند، یا نه.» با این حال داریوش پیرنیاکان، نوازنده تار و سه‌تار، نگاه دیگری به حضور اقلیت‌ها در جشنواره‌های هنری دارد. او به شرق می‌گوید: «خیلی خوب است که اقلیت‌ها در تمام عرصه‌ها حضور داشته باشند و البته من با اطلاق عنوان اقلیت به آنها موافق نیستم چون همگی‌شان هم‌وطن ما هستند. نباید عنوان اقلیت را به آنها داد، آنها همه اکثریت‌اند، چون ایرانی و هم وطن ما هستند.»

فتحعلیان: عضو هیچ شبکه اجتماعی نیستم

روی دیگر سکه، برخوردهای سخت‌گیرانه با برخی نوازندگان و خوانندگان است. در تازه‌ترین این برخوردها روز گذشته خبر رسید فرمان فتحعلیان (خواننده موسیقی پاپ) ممنوع‌الکار شده است. فتحعلیان که از شنیدن این خبر متعجب شده بود، در توضیح آنچه رخ داده به شرق گفت: «این مشکل حدود یک ماه پیش برای من پیش آمد و طی آن، دو اتهام به من زده شد. اتهام اول داشتن یک صفحه در یکی از شبکه‌های اجتماعی بود. من همین جا اعلام می‌کنم که مدت‌هاست صفحه طرفداران خود را در یکی از شبکه‌های اجتماعی مسدود کرده‌ام. به غیر از وب‌سایت شخصی‌ام هیچ فعالیتی در اینترنت ندارم و این وب‌سایت برایم کافی است.» این خواننده درباره دومین اتهامی که موجب ممنوع‌الکار شدن او شده، افزود: «دومین اتهام، اظهارات یکی از کارگردانان محترم ایرانی روی صحنه در یکی از کنسرت‌های من بود. این در حالی است که حضور و گفته‌های یک میهمان به من ربطی ندارد و مسوولیت آن مستقیما بر عهده جناب محمود سراجی برگزارکننده کنسرت است.» وی در این‌باره اضافه کرد: «به دلیل تجربه چندین‌ساله‌ام در حوزه موسیقی با تمام قوانین و جوانب کار آشنا هستم و همواره به آنها احترام گذاشته‌ام. باید بگویم آقای میرزمانی از ممنوع‌الکار شدن من بسیار ناراحت شدند و من از همدلی ایشان تشکر می‌کنم. با این حال در حال حاضر از اجرای هرگونه کنسرت و انتشار آلبوم منع شده‌ام.» تماس خبرنگار شرق برای پرسش درباره دلیل ممنوع‌الکار شدن فتحعلیان با مدیر دفتر موسیقی به جایی نرسید، هرچند محمد میرزمانی به ایلنا گفته است در پی رفع توقیف ممنوعیت این خواننده است و به زودی این قضیه حل خواهد شد. لغو مراسم بزرگداشت بابک بیات و ناصر عبداللهی در کاخ سعدآباد از دیگر مواردی است که بی‌هیچ توضیحی این روزها بر اهالی موسیقی گذشته است.

بهداد در تئاتر و سینما

ایسنا: افشین هاشمی از اجرای نمایشی با نام «عشق من حامد بهداد» خبر داد و گفت که برای استفاده از نام بهداد او را در جریان گذاشته است. از طرفی دیگر، فیلمبرداری فیلم «بی تابیتا» از مهرداد فرید فردا آغاز می‌شود که بهداد در آن حضور دارد.

فرهاد مشیری رتبه ۷۴ هنرمندان جهان

شرق: در تازه‌ترین رتبه‌بندی هنرمندان جهان به انتخاب دو موسسه معتبر آرت پرایس و فیاک فرهاد مشیری در میان ۵۰۰هنرمند جهان در مقام ۷۴ ایستاد. گزارش سالانه آمار هنرمندان نشان می دهدکه برای سومین سال پیاپی، جایگاه در حال رشد هنر ایران در جهان چشمگیر است.

حضور محمد مطیع بعد از ۳۲سال

شرق: پس از ۳۲سال دوری از صحنه محمد مطیع، بازیگر قدیمی تئاتر و سینما با «آفتاب از میلان طلوع می‌کند» آرش عباسی احتمالا در دی و آذر به صحنه بازمی‌گردد. آخرین حضور مطیع در تئاتر به «مرده‌های بی‌کفن و دفن» به کارگردانی حمید سمندریان در سال ۵۸ بازمی‌گردد.

«یوسا» یک سال بعد از دریافت مهم‌ترین جایزه ادبی جهان:

جایزه نوبل داستان جن و پری است

شرق: «ماریو بارگاس یوسا» در تازه‌ترین گفت‌وگوی خود از حس متناقض‌اش درباره بردن جایزه نوبل ادبیات گفت. یوسای ۷۵ساله بعد از یک‌سال از دریافت مهم‌ترین جایزه ادبی جهان یعنی نوبل ادبی سال ۲۰۱۰ در مصاحبه‌ای با شبکه یک تلویزیون مکزیک تجربه کسب جایزه نوبل را به قصه پریان و در عین حال یک تراژدی تشبیه کرد. وقتی سال گذشته دبیر آکادمی سلطنتی سوئد با پاکت نام بهترین نویسنده جهان در سال ۲۰۱۰ پشت دوربین قرار گرفت، کمتر کسی گمان می‌کرد که این نام یوسا باشد که سال‌های زیادی بود که علاقه‌مندانش در انتظار شنیدنش بودند.

اما یوسا برنده مدال و جایزه اول این جایزه ادبی شد. این نویسنده پرویی در یک سال گذشته کمتر اظهارنظری درباره این جایزه کرده است، اما او روز جمعه در مصاحبه‌ای با «تلویزا» گفت: «مثل قصه جن و پریان است، یک سال طول می‌کشد، اما پس از آن خوشبختانه فرد دیگری می‌آید و آن را از شما می‌گیرد. اگر این اتفاق نمی‌افتاد، این داستان تبدیل به یک تراژدی می‌شد.»

یوسا نوبل ادبی را با همه مزایایش بر هم زننده زندگی عادی دانسته است: «با تمام لذت‌هایی که کسب این جایزه با خود می‌آورد، جایزه نوبل تمام اتفاقات روتین زندگی یک نویسنده را تغییر می‌دهد؛ نه‌تنها برای نوشتن، بلکه برای خواندن هم برای برنده فرصتی باقی نمی‌گذارد. برای من خواندن هم به اندازه نوشتن مهم است.»

یوسا می‌گوید در سالی که گذشت رسیدن به برنامه‌هایی که به دنبال دریافت جایزه نوبل ادبی‌اش بوده او را از نوشتن باز داشته. وی می‌خواهد سال آینده دعوت از مکان‌های بسیار دور را نپذیرد، تا بتواند به کارش برگردد.

ایندینا خبرگزاری پرو نوشته است یوسا، نویسنده سرشناس پرویی و همسرش که به‌عنوان میهمان افتخاری نمایش عکاسی «دافنه: قدرت والای چشم یک زن» در آمریکا حضور پیدا کرده بودند، روز پنجشنبه در سفارت پرو واقع در واشنگتن مورد استقبال گرم سفیر کشورش قرار گرفتند؛ البته با همه مشغولیاتی که جایزه نوبل برای این نویسنده پرویی داشت.

سال گذشته کتاب رویاهای سلتی (تازه‌ترین رمانش) را منتشر کرد و در نمایش هزار و یک شب براساس متنی از خودش در نقش شهریار به صحنه رفت.

برای بار دوم

تالار مولوی تعطیل شد

شرق: «همه اجراهای تالار مولوی تا اطلاع ثانوی تعطیل می‌شود و قرارداد گروه‌هایی که قرار اجرای عمومی داشتند- حتی کارهای دانشجویی- باطل می‌شود.» این جمله‌ای است که گروه‌های نمایشی که قرار بود از فردا اجرای عمومی‌شان را در تالار مولوی آغاز کنند به همراه تاکید بر جمع کردن بیلبوردهای تبلغیاتی‌شان ابلاغ شده است. این دومین باری است که در دو سال گذشته تالار دانشجویی دانشگاه تهران با تعطیلی مواجه می‌شود. اما این بار ظاهرا مشکل اخلاقی و پوشش بازیگران باعث تعطیلی دو تالار فعال تئاتر نیست، دعوای میان مرکز هنرهای نمایشی و وزارت علوم برای عمل کردن به تفاهم‌نامه مشترک مانع شده است. نکته‌ای که چند روز پیش «سعید اسدی» مدیر این تالار در گفت‌وگو با ایسنا نیز آن را هشدار داده بود. این در حالی است که «محمد دشت‌گلی»، سرپرست مرکز هنرهای نمایشی که از خبر تعطیلی سالن اصلی تالار مولوی بی‌اطلاع بود، در گفت‌وگو با شرق این اقدام دانشگاه تهران را باعث تاسف دانست: «باید ابراز تاسف کرد که دانشگاه تهران، دانشگاهی به این بزرگی و با این سابقه درخشان به خاطر مبلغ جزیی تفاهم‌نامه با اداره کل هنرهای نمایشی، فعالیت‌های تالار مولوی را به حالت تعلیق درآورد. پیش از این جهاد دانشگاهی این تالار را اداره می‌کرد و چنین مشکلی هم نداشت. قرار بود که با صحبت کردن مشکل را حل کنیم.»

او با ابراز امیدواری از اینکه فعالیت‌های تالار مولوی به حالت تعلیق درنیاید، گفت: «اگر هم چنین باشد، خود دانشگاه تهران باید پاسخگوی جامعه تئاتری و به‌ویژه دانشجویان تئاتر باشد، همچنانکه خود این دانشگاه دانشجویان تئاتری بسیاری دارد. اگر آنها چنین رویه‌ای دارند مشکلی وجود ندارد، نام مرکز هنرهای نمایشی را بردارند و خودشان رأسا اداره مولوی را برعهده بگیرند.»

براساس تفاهم‌نامه میان مرکز هنرهای نمایشی و وزارت علوم، نهاد دولتی متولی تئاتر موظف است از اجرای تئاتر در این سالن حمایت کند و علاوه بر صدور مجوزهای اجرا، مبلغی هم در اختیار سالن و تئاترها قرار دهد. موضوعی که مدیر تالار مولوی می‌گوید از طرف وزارت ارشاد مورد توجه قرار نگرفته است.

اسدی هشدار داده بود که: «در حال حاضر دانشگاه به این نتیجه رسیده اگر این مشکل تا پایان هفته جاری حل نشود، فعالیت‌های تالار مولوی به حالت تعلیق درآید.»

گزارش تصویری

کیانوش عیاری درباره آخرین وضعیت فیلم «خانه پدری» گفت: «احتمالا تا پایان هفته جاری درباره وضعیت نمایش «خانه پدری» تصمیم‌گیری خواهد شد. البته نمی‌دانم که صحبت‌های این هفته هم حاوی نظرات نهایی اداره نظارت باشد یا نه اما امیدوارم این هفته خبر قطعی به ما داده شود. نمی‌دانم که میزان اصلاحات وارده به فیلم چقدر است، چون خودم هم باید با مسوولان صحبت کنم و ببینم ممیزی وارده بر فیلم به کلیت آن آسیب می‌رساند یا نه. امیدواریم حذفیات آنقدر نباشد که به کلیت فیلم لطمه وارد کند.»

۱۰ مجلس تعزیه در تالار خلیج‌فارس فرهنگسرای نیاوران از امروز با اجرای مجلس متوکل عباسی آغاز خواهد شد و در شب‌های بعد با اجرای مجالس، شهادت هانی بن عروه، شهادت مسلم بن عقیل، مجلس ورود به کربلا، شهادت حربن یزید ریاحی، شهادت حضرت علی‌اکبر، شهادت حضرت قاسم، شهادت حضرت ابوالفضل، شهادت حضرت علی‌اصغر، شهادت امام حسین(ع) و مجلس بازار شام دنبال می‌شود.
همچنین خیمه تعزیه در مقابل تئاتر شهر نیز برپا شده و ۱۰ مجلس تعزیه با حضور نخبگان این هنر قدیمی برپا خواهد شد.

در آستانه ششمین سالگرد درگذشت مرتضی ممیز گرافیست سرشناس ایرانی نمایشگاهی از تصویرسازی‌های او در گالری ایده برپا شده است. این نمایشگاه تا ۱۸ آذرادامه دارد. همچنین از ۱۸ آذر نیز بنیاد گرافیک مرتضی ممیز با حضور دوستان داخلی و خارجی او نمایشگاهی از آثارش را در خانه هنرمندان درتالاری که به نام خود ممیز است، به نمایش می گذارد.

کلبه کوچک من

برتر از همه زیرک‌ترها! (۹۰)

اردشیر خرمنکوب

■ مبادا شما خیال کنید این جماعت زیرک و زیرک‌تر، همگی بی‌اصل و نسب و آسمان‌جل و آشفته‌حال و نکبت‌اند. اینان با ظاهری آراسته، در تخصص: فوق‌تخصص‌اند. تحصیلات دانشگاهی دارند. وکیل، قاضی و استادند و در کار خود خبره‌اند. اما دزدند. پرونده‌ساز و کارراه‌انداز و مکار و فریبکار و فتنه‌گرند. آدم نیستند، آدم‌کش‌اند. تمیز و شیک و باکلاس‌اند. زبان‌باز و دروغ‌پردازند. قهرمان دو در دور زدن قانون‌اند. و رکوردار پریدن از روی آن. تمام منفذها و گریزگاه‌های قانون را می‌شناسند. برای به‌زانو درآوردن هرکس، فوت و فن مخصوص به‌خود دارند. بیش از همه، از تطمیع و تهدید استفاده می‌کنند، در هر دستگاه، مخصوصا در دستگاه پلیس و دستگاه قضایی، عده‌ای را گوش به‌زنگ دارند. لذت‌شان، عبور از موانع سخت و آدم‌های سخت است. وقتی پلیس کله‌شقی را به زانو درمی‌آورند، انگشت شست‌شان را به علامت پیروزی بالا می‌گیرند. وقتی وزیر، وکیل و قاضی درستکاری را خراب می‌کنند، همان انگشت شست را وارونه نشان هم می‌دهند. دایره فعالیت اینان، گاه بنا به ضرورت، از عرصه داخلی، به عرصه بین‌المللی تغییر می‌کند. برای اینان، انسان گوسفندی است که می‌شود شیرش را دوشید و پوستش را درید و گوشتش را خورد و اضافاتش را جاگذاشت و رفت. انسانی که در نقشه جغرافیای اینان، مهره سیاهی بیش نیست و می‌شود به‌راحتی جابه‌جایش کرد. یا او را برداشت و در سطل زباله انداخت. از کار و تلاش و زندگی سالم عُق‌شان می‌گیرد. همه مردم را احمق می‌دانند و خود را عقل کل. تنها جایی که درست حرکت می‌کنند، خیابان‌های شهر است. اصلا علاقه‌ای به عبور از چراغ‌قرمز خیابان ندارند. در بین خودشان رقابت و دشمنی فراوان است. به هم لبخند می‌زنند اما در همان حال نقشه نابودی یکدیگر را می‌کشند. به هرکجا که وارد شوند، آنجا را به گند می‌کشند. اگر وارد سیاست شوند، سیاست را جز دروغ و جز از پشت خنجرزدن و جز غارت منافع ملی و منافع طرف مقابل معنا نمی‌کنند. اگر قاضی شوند، قضاوت را ساندویچ مشترک بین خود و مردم تعریف می‌کنند. ساندویچی که در دست آنان است و زیر دندان آنان. اگر وارد دستگاه دولتی شوند، همه استعداد آن دستگاه را به چشم ارث پدری می‌بینند. تابلو ناپیدای خود را بر فرق آن دستگاه می‌کوبند و برای هر معامله ناپیدا، آگهی مزایده منتشر می‌کنند. اینان حتی به لباس کشیشان هم فرو می‌شوند. کشیشانی که همیشه‌خدا، مشتاق احداث کلیسایند و پول‌هایی را که بابت کارسازی از این و آن می‌گیرند، حتما در همان کار کلیسا هزینه می‌کنند! باور کنید! اینان همگی سایه‌گون، نرم و بی‌صدا می‌آیند و کار خود می‌کنند و می‌روند. زیر پوست جامعه خانه می‌کنند و برای خود دم و دستگاه و تشکیلاتی می‌آرایند. به‌راحتی نمی‌شود کشف‌شان کرد و به میان‌شان راه یافت. دریچه پنجاه‌وچهارم سوره آل‌عمران را می‌گشایم: «و مکروا و مکرالله والله خیرالماکرین.» این آیه به چندین صورت، اما با همین معنا در قرآن آمده است. که یعنی اگر عده‌ای اهل فریب و نیرنگ‌اند و طرح و نقشه خاص خود دارند، خدا هم در مقابل، بهترین طراح و نقشه‌آرا و سیاستمدار است. به اعتقاد من، این سخن الهی که از استحکامی حتمی و همیشگی برخوردار است، بساط فکری و عملی همه زیرک‌ها و زیرک‌ترها را در هر شکل و شمایل و کاروکسب - آنجا که به فریب روی می‌برند- در هم می‌پیچد. معمولا ما وقتی به این آیه برمی‌خوریم، پتانسیل موجود در آن را برای اغراض خاص خود، یا مواردی از وقایع تاریخی هزینه می‌کنیم. و حال‌آنکه این آیه، در بطن خود می‌گوید: ای مردم آیا می‌دانید خدای متعال، چه نقشه‌ها و چه فتنه‌ها و چه فریب‌هایی را بدون اینکه شما بدانید، از اطراف شما و زندگی شما دور ساخته و نقش برآب کرده است؟ و همچنان این روند تا همیشه عمر شما ادامه دارد؟ به‌راستی اگر زیرک‌ترها که تعریف‌شان را گفتم، در هر یک از کارهای خود موفق بودند، دو روزه دنیا به تسخیرشان درمی‌آمد و آوار بردگی بر سر مردم بی‌خبر فرو می‌ریخت.

ادامه دارد

یک اتفاق ساده

بی‌دقتی در برگزاری جشنواره مقاومت

■ عدم دقت برگزارکنندگان جشنواره مقاومت باعث شده تا گروه‌های شرکت‌کننده در جشنواره تئاتر مقاومت به دکور نمایش‌هایی که در تئاتر شهر اجرای عمومی داشتند، آسیب بزنند. این آسیب در تالار قشقایی به شکلی بوده که باعث شده نمایش «بهار و آدم‌برفی» به دلیل از بین رفتن دکور نمایش در طول برگزاری سیزدهمین جشنواره سراسری تئاتر مقاومت از ادامه اجراهای عمومی خود بازبماند. ناصح کامکاری در این‌باره به مهر گفته: ستاد برگزاری جشنواره تئاتر مقاومت اعلام کرد گروه‌های شرکت‌کننده در جشنواره و گروه‌هایی که در حال اجرای عمومی هستند برای وضعیت دکور نمایش‌های در حال اجرا به توافق برسند. ما بخشی از دکور خود را جمع کردیم و یک بخش فلزی که توسط زنده‌یاد انصاری ساخته شده بود در صحنه باقی ماند. به گفته کامکاری: «با گروه‌هایی که در روزهای اول قرار بود در سیزدهمین جشنواره سراسری تئاتر مقاومت به صحنه بروند درخصوص این سازه فلزی هماهنگی‌های لازم را انجام دادیم ولی در روز چهارم یک گروه، این بخش از دکور نمایش «بهار و آدم‌برفی» را از بین برد. ستاد برگزاری جشنواره تئاتر مقاومت می‌توانست وضعیت حفظ و مراقبت از دکورهای نمایش‌هایی که اجرای عمومی‌شان در ایام جشنواره تعطیل شده بود را پوشش دهد اما اختیار عمل را به گروه‌ها داد.»